

بسمه تعالی

نقش مساجد در فرهنگ سازی و نهادینه کردن ارزش‌ها

مقدمه

هنگام صحبت از فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن ارزش‌ها در مساجد، چندین سؤال مطرح می‌گردد:

- ۱- کدام فرهنگ و کدام ارزش؟
 - ۲- آیا اصطلاح فرهنگ‌سازی بهتر است یا اصطلاح بازآموزی و بازپروری فرهنگی؟
 - ۳- اولویت فرهنگ‌سازی برای کدام طبقه از جامعه؟
 - ۴- در زمان حاضر، مساجد تا چه حد در فرهنگ‌سازی موثرند؟
 - ۵- چگونه می‌توان مساجد را به جایگاه اصلیشان رساند؟
- در این نوشتار، درباره‌ی پرسش‌های فوق سخن خواهیم گفت.

کدام فرهنگ و کدام ارزش؟

اگر نهادی بخواهد در زمینه‌ای کاری انجام دهد، قطعاً باید آن زمینه را به‌خوبی بشناسد و برای کارکردن برنامه‌ای هدفمند داشته باشد. مساجد پایگاهی عمومی در جامعه اسلامی اما در عین حال رکنی از ارکان آن است و در خصوص فرهنگ‌سازی در مساجد مسائل فراوانی مطرح است، برای مثال:

- آیا در بحث فضیلت مسجد، باید برای نمازجماعت، مراسم‌های مذهبی، مراسم‌های ختم و سخرانی‌ها فرهنگ‌سازی شود؟
 - آیا مسجد مکتب انسان پروریست؟ بدین معنی که مساجد باید انسان‌هایی متعهد، دلسوز، مسئولیت‌پذیر، زاهد و باتقوا پرورش دهند تا وقتی مسجدیان مسئولیتی را در جامعه به‌عهده گرفتند (اعم از بخش دولتی یا خصوصی) همواره خدا را ناظر بر کارهای‌شان بدانند و آن مسئولیت را به‌مثابه‌ی امانتی الهی لحاظ کنند و در اندیشه خدمت به به مردم باشند.
 - آیا باید ارزش‌هایی را زنده کنیم که در دوران انقلاب و سال‌های نخستین پیروزی انقلاب، وجود داشت؟ ارزش‌هایی که برخاسته از فرهنگ غنی ملی اسلامی ملت ایران بوده است.
- بنابراین، باید ارزش‌ها به‌طور واضح و روشن و با ذکر مصداق‌های مشخص، تبیین گردد. سپس، با سیاست‌گذاری و تعیین اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت، برنامه‌ای دقیق طراحی و اجرا شود. زیرا، با انجام کارهای فرهنگی جزیره‌ای و بی‌هدف، جامعه به‌جائی ره نخواهد برد.

آیا اصطلاح فرهنگ‌سازی بهتر است یا اصطلاح بازآموزی و بازپروری فرهنگی؟

در بحث فرهنگ‌سازی، این مفهوم به ذهن می‌رسد که باید به بازار رفت و مواد و مصالح موردنیاز برای ساختن فرهنگ را تهیه و استادکار و معماری را هم دعوت کرد تا برایمان فرهنگ بسازد. چنین نگاهی به این پروژه هدف را مبهم و روند کار را مختل می‌کند. همین اصطلاحات و نام‌ها به اصل و روند کار جهت می‌دهد و گاه نتایج را به سمت و سویی می‌برد که تصور هم نمی‌شد. از این‌رو اصطلاح فرهنگ‌سازی باید دقیقاً روشن شود. ملت ایران

فرهنگ ملی مذهبی بسیار پر بار و غنی ای دارد، اما همواره این فرهنگ غنی باید بازآموزی و بازپروری شود؛ بنابراین در این مقوله ما با فرهنگ‌سازی سروکار نداریم بلکه مسئله‌ی ما بازآموزی و بازپروری است. ما صرفاً باید فرهنگ جامع و کامل خود را حفظ و پرورش دهیم. وقتی کسی از واژه‌ی فرهنگ‌سازی استفاده می‌کند، این معنی به ذهن متبادر می‌شود که گویی ما بی‌فرهنگیم و باید با الگوگرفتن از دیگران، برای خودمان فرهنگ‌سازی کنیم؛ اما این همان چیزی است که دنیای سلطه به دنبال آن است، یعنی بی‌هویت کردن ملت‌ها و دادن هویتی جدید که خاستگاه آن غرب باشد!

هرچند، در این مقاله، برخلاف میل باطنی، از اصطلاح فرهنگ‌سازی استفاده می‌کنیم تا بر مبنای اصطلاح مشهور پیش برویم.

اولویت فرهنگ‌سازی برای کدام طبقه از جامعه؟

بزرگان ما گفته‌اند که در امور مادی خودت را با فقیرتر از خودت مقایسه کن و در امور معنوی، با زاهدتر از خودت. از آنجا که فرهنگ از امور معنوی است، اگر بزرگان و نخبگان فرهنگ برتر و بهتری داشته باشند، ملت نیز از آن‌ها پیروی می‌کند.

در زمان حاضر، مساجد تا چه حد در فرهنگ‌سازی تأثیر دارند؟

میزان تأثیرگذاری مساجد در فرهنگ‌سازی به کارکرد مساجد و استقبال مردم از برنامه‌های آن بستگی دارد. بنابراین، مسئولان فرهنگی کشور و در رأس آن‌ها مرکز رسیدگی به امور مساجد و نیز مسئولان صداوسیما باید برنامه‌ای دقیق و مدون برای این هدف طرح بریزند و برای اجرای نکویش بکوشند.

چگونه می‌توان مساجد را به جایگاه اصلیشان رساند؟

برای رسیدن به این هدف، مسئولان فرهنگی، به‌ویژه مدیران مرکز رسیدگی به امور مساجد، باید به شرح زیر اقدام کنند:

الف- برنامه‌ریزی

- در برنامه‌ریزی، ابتدا باید انتقادپذیری وجود داشته باشد و به‌جای تلاش برای توجیه‌های بی‌معنا باید برای فهم انتقادها و درک سخن منتقدان تلاش کرد.
- از کارشناسان و مسئولان شایسته و توانمند استفاده گردد.
- برای کارکردهای مساجد، مخصوصاً امور فرهنگی، اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت تعیین گردد.
- برای گروه‌ها، طبقات، صنف‌ها، پیشه‌ها و به‌طور کلی همه‌ی شهروندان، باید منشور فرهنگی تهیه، ابلاغ و اجرا گردد.
- برای هر نهادی که باید در امور فرهنگی فعالیت کند، هدف و برنامه‌ی مشخصی تعیین شود تا در همان راستا و طبق همان برنامه‌ی تعیین شده اقدام کند.

ب- رفع مانع‌ها و چالش‌ها

- در مدیریت مسجد تمرکز ایجاد شود و دستور نهایی با امام جماعت باشد.

- باتوجه به اینکه خاستگاه اصلی انقلاب اسلامی ایران مساجد بوده است و حکومت برخاسته از رأی ملت، با پشتوانه‌ی ولایت فقیه، در مصدر امور قرار دارد، مسئولان باید برای استحکام این سنگر مرصوص انقلاب، بی‌حد و حصر بکوشند.
- مسئولان مساجد باید برای تقویت برنامه‌های گوناگونی بکوشند؛ برای مثال برای راه‌اندازی مواردی چون: کتابخانه، کارگاه‌های سمعی و بصری، انتقال شعبه‌های کمیته‌ی امداد امام خمینی (رحمه‌الله) به مساجد، تأسیس نهاد‌های خیریه و قرض‌الحسنه و برگزاری کارگاه‌های آموزشی.
- پرهیز از روش‌های فرهنگی کسل‌کننده و ملالت‌آور.
- تلاش بیشتر ائمه‌ی جماعات برای اجرای بهتر برنامه‌های مسجد.
- حتی المقدور هیئت‌امنای مساجد از بین افراد خبره و باتجربه و باتحصیلات عالی انتخاب شود.
- همسویی رسانه‌ها، مخصوصاً صداوسیما، با برنامه‌های فرهنگی مساجد.

پ- حفظ استقلال مساجد

- احداث ساختمان و تأسیسات و کارگاه‌های لازم و تجهیز آن‌ها باتوجه به کارکردهای جدید.
 - سرمایه‌گذاری برای تأمین هزینه‌های جاری هر مسجد.
 - هیئت‌امنای هر مسجد بعد از تعیین صلاحیت کاندیداها توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد، با رأی نمازگزاران آن مسجد انتخاب شوند.
 - در مدیریت مساجد تمرکز ایجاد شود، به نحوی که حرف امام جماعت حجت و لازم‌الاجرا باشد.
 - تخصیص موقوفات به مسجد برای تأمین هزینه‌های مسجد.
- اکنون به توضیح بیشتر آنچه تا کنون گفتیم می‌پردازیم و با ذکر مثال‌هایی روشن مراد خود را شرح می‌دهیم.

بخش اول

کدام فرهنگ و کدام ارزش‌ها؟

الف- منظور از فرهنگ‌سازی در مساجد

بی‌شک برنامه‌های عبادی یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های مسجد است و مواردی از قبیل نماز جماعت پرشکوه، مراسم‌های جشن و عزای اهل‌بیت (علیهم‌الصلاة والسلام)، دعوت از سخنرانان و مسئولان عال‌رتبه باید در زمره‌ی اهداف مساجد قرار گیرد، اما فرهنگ‌سازی واقعی به این موارد محدود نمی‌شود و برای رسیدن به اهداف دیگری نیز باید تلاش کرد؛ مانند:

۱. تربیت نسل جوان، به گونه‌ای که انسان‌هایی مومن، متعهد، مسئول و باتقوی از دل مساجد برآیند و آینده‌ی ایران اسلامی را تضمین کنند. رئیس‌جمهورها و نمایندگان بعدی ایران اسلامی باید پرورده‌ی مکتب مسجد باشند تا همواره وکیل و خدمت‌گذار مردم باقی بمانند. مکتب مسجد نماینده‌ای می‌پروراند که همواره و فقط به فکر مردم و مؤمنانی است که او را به‌عنوان مسئول جمع خود برگزیده‌اند. دست‌پرورده‌ی مسجد هیچ‌گاه به‌دنبال نفع شخصی و سوءاستفاده از مقام نیست و منصب خود را امانت الهی و مردمی می‌داند. سخن فقط بر سر مناصب عالی نیست، بلکه

این حکم برای همگان و صاحبان تمام مناصب جاری است؛ وزیر، قاضی، کارمند، کارگر، دکان‌دار و تاجر مسجدی همواره فقط به اجرای وظیفه‌ی خود درقبال هم‌نوع می‌اندیشد.

۲. ترویج فرهنگ ساده‌زیستی و مردم‌محوری از دیگر وظایف فرهنگی مسجد است. در ابتدای انقلاب، مساجد این نقش خود را به‌خوبی ایفا کردند و مدیرانی تحویل انقلاب دادند که به مانند رجائی همواره در پی کمک خالصانه به مردم بود و در این راه شیوه‌ی زندگی ساده‌ای هم برگزیده بود. افزون‌برآنکه همگان، به‌واسطه‌ی گزارش‌های صداوسیما درباره‌ی مناطق محروم، از حال و روز هموطنان خود خبر داشتند و برای رفع نیازهای آنان می‌کوشیدند. امروز صداوسیما این وظیفه‌ی خود را تاحدی فراموش کرده است و در زمینه‌ی ساخت فیلم‌ها و برنامه‌های به‌واقع اسلامی و شیعی کوتاهی‌هایی دیده می‌شود.

بخش دوم

آیا اصطلاح فرهنگ‌سازی بهتر است یا اصطلاح بازآموزی و بازپروری فرهنگی؟

ایران ریشه‌های فرهنگی غنی و پربراری دارد و همین باروری فرهنگی، موجب تسلط فرهنگ کشورمان، بر فرهنگ مهاجمان نظامی شد و آن‌ها را تحت‌تاثیر خود قرار داد. برای مثال این سخن درمورد اعراب، ترکان غزنوی و سلجوقی و مغول‌ها صادق است که نه‌تنها فرهنگ آن‌ها غالب نشد، بلکه آن‌ها در فرهنگ والای ایرانی حل شدند. افزون‌برآنکه ما ایرانیان از نظر اسلامی نیز فرهنگ مذهبی بی‌نظیری داریم که پایه‌های تمدن ما را محکم و استوار ساخته است. حال، شاید این سؤال مطرح شود که پس بحث فرهنگ‌سازی چه معنایی دارد؟ پاسخ آن است که ما باتوجه‌به داشتن فرهنگ غنی ایرانی و اسلامی به ساختن فرهنگ نیاز نداریم، بلکه باید گنج نهران خودمان را پیدا و فرهنگ اسلامی خودمان را احیا کنیم. این موضوع از ابعاد مختلفی قابل بررسی است:

بعد اول: دشمنان انقلاب و اسلام، برای سرکوب کردن فرهنگ پربر ایرانی و اسلامی و برای اینکه به ملت‌های دنیا، مخصوصاً به ملت شریف و بافرهنگ ایران، القاء کنند که ملت ایران ملتی بی‌فرهنگ و بی‌ریشه است، تلاش زیادی کرده‌اند و شبهه‌های فراوانی ایجاد کرده‌اند. به‌علاوه، آن‌ها باتوجه‌به رسانه‌های عظیمی که در اختیار دارند، می‌خواهند فرهنگ غربی و ناقص خود را بر ملت ما تحمیل کنند. از این‌رو، در تبلیغات آنان کسی که زیر یوغ وحشیت فرهنگ پست غربی قرار می‌گیرد، فردی متمدن و متجدد است و درمقابل وفاداران به اسلام و ایران اسلامی متحجر، مرتجع، عقب‌مانده و بی‌فرهنگ هستند. در فرهنگ غربی عربی، بی‌بندوباری جنسی و لباس‌های شهرت فضیلت محسوب می‌شود و با قدرت تبلیغات چنان کاری کرده‌اند که فرار از این پستی، واپس‌نشینی به‌شمار می‌آید. در چنین وضعیتی مسئولیت مسئولان فرهنگی بسیار سنگین است و ما باید به نسل جوان خود بیاموزیم که فرهنگی غنی داریم و به این نمادهای زشتی نیازی نداریم. حجاب، احترام به پدر و مادر، مناجات با خداوند، توجه به مال حلال و دوری از حرام و کمک به ناتوانان تنها بخشی از فرهنگی است که غرب برای ستاندن و امحاء آن تلاش می‌کند.

وضع بسیار حساس و بحرانی است و غفلت مسئولان نتایج ناگواری به بار می‌آورد. اگر مسئولان فرهنگی به‌دقت وضعیت را بررسی کنند و با شیوه‌های نو و جذاب فرهنگ اصیل اسلامی ایران را به جوانان نشان دهند،

بخش بزرگی از مشکل حل خواهد شد. باید نشان داد که فرهنگ مهاجم غربی در واقع نه تنها فرهنگ نیست که ضد فرهنگ و ضد ارزش است. با چنین تلاش‌هایی، جوان ایرانی به فرهنگ خود افتخار می‌کند و متوجهی تبلیغات سوء دشمن می‌شود.

بعد دوم: مرور تاریخ دو قرن اخیر نشان می‌دهد که در ایران، همواره عده‌ی محدودی برای سرسپردگی ایران به غرب کوشیده‌اند. این عده که عمدتاً از درباریان، حکام، سرمایه‌داران، ملاکان، خان‌های محلی، کاخ‌نشینان و اعوان و انصار آن‌ها بوده‌اند، به علت ضعف حکومت مرکزی و چون با ملت همراه نبوده‌اند، برای حفظ تسلط خود بر ملت، پیوسته با متجاوزان اروپائی، مخصوصاً انگلیس، مراوده کرده‌اند و آن‌ها را ناجی خود دانسته‌اند. در این خانواده‌ها، این سرسپردگی به صورت خرده فرهنگ نهادینه شده است. از آنجا که آن‌ها نمی‌خواهند فرهنگ ملت خود را باور داشته باشند، برای بیرون آمدن از بی‌هویتی، ندانسته مبلغ تمدن غربی می‌شوند. چنین کسانی، با تاثیر از تبلیغات پوچ رسانه‌های غربی، احساس بی‌هویتی می‌کنند و به غلط، مبلغ جامعه‌ی غربی و بی‌فرهنگی شرقی شده‌اند.

بعد سوم: نحوه‌ی بیان شاخص‌ها و ارزش‌های فرهنگی است. با وجود آنکه در فرهنگ غنی ملی و اسلامی

ما، ارزش‌هایی وجود دارد که انسان و جامعه را به کمال می‌رساند، اما دو اشکال اساسی وجود دارد:

نخستین اشکال در نحوه‌ی ارائه‌ی آموزه‌های فرهنگی مذهبی است. ارائه‌ی ارزش‌های فرهنگی مذهبی و انتقال معنای واقعی متون دینی برای اقشار مختلف و در دوره‌های مختلف، متفاوت است و هر دوره و هر قشر برنامه‌ریزی خاصی را می‌طلبد. اگر نهادهای مسئول نتوانند این ارزش‌ها را در چینی‌های جدید و به روشی قابل قبول برای طبقات مختلف اجتماعی ارائه دهند، خلاء بزرگی در اجتماع پدید می‌آید که فضا را برای دشمن مسلح غربی مهیا می‌کند. اشکال‌هایی در این باره:

الف- طبق اسانداردهای بین‌المللی، باید به ازای هر نفر باسواد، دو جلد کتاب وجود داشته باشد، در حالی که در ایران کمتر از یک جلد وجود دارد؛ لذا سطح دسترسی به کتاب در ایران کمتر از ۵۰ درصد سطح جهانی است.

ب- تعداد افرادی که در ایران اهل مطالعه هستند خیلی کمتر از سطح بین‌المللی است.

پ- اغلب کتاب‌های فرهنگی مذهبی منتشر شده، به نحوی تدوین و تألیف شده‌اند که عموماً برای دانشجویان رشته‌های اسلامی و طلبه‌های حوزه‌ی علمیه مناسب هستند و برای افراد اهل مطالعه‌ی عادی چندان دردی دواء نمی‌کنند.

ت- دغدغه‌ی اصلی باید در خصوص مسلمانانی باشد که به مسجد نمی‌آیند و علاقه‌ای به امور دینی ندارند، نه کسانی که اهل مسجد هستند و همواره در آن رفت و آمد می‌کنند. لذا نحوه‌ی ارائه‌ی مطالب فرهنگی مذهبی برای این اقشار باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

ث- برخی از روحانیان و ائمه‌ی جماعات علاقه‌ای ندارند که به بحث‌های فرهنگی و مسائل مبتلابه جامعه وارد شوند و معتقدند اگر حدیث یا روایتی بیان می‌شود، باید عین متن عربی و فارسی و ذکر منابع و سلسله‌ی راویان، بدون کم و کاست، گفته شود، اما این نوع بیانات برای مردم عادی، مخصوصاً نسل جوان، خسته کننده است. لذا روحانی باید با بیانی جذاب و ساده به بحث‌های اجتماعی وارد شود. می‌توان همان مطالب را با زبان روز و باب

سلیقه‌ی نسل جوان بیان کرد یا نوشت. مساجد نمی‌توانند در قبال مسائلی که جامعه‌ی امروز ما با آن‌ها روبرو است، بی تفاوت باشند.

دومین اشکال این است که برخی از عالمان فرهنگی مذهبی، عالم به عمل نیستند و سخن بدون کردار آنان تأثیر سوء بر نسل جوان می‌گذارد.

بخش سوم

اولویت فرهنگ سازی برای کدام طبقه از جامعه؟

یکی از مشکلاتی که در بحث فرهنگ مسئله‌ساز شده است این است که گاه کسانی مسئول بخش‌های فرهنگی می‌شوند که متخصص این حوزه نیستند و از این‌روست که هنوز هم بسیاری از هشدارهای امام خمینی (قدس سره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به درستی درک نشده است. باید بدانیم که با صرف تشکیل چند جلسه و صدور چند بخش‌نامه مشکل نمی‌شود. بلکه کارشناسان خبره‌ی فرهنگی باید با تمام توان به مسئله‌ی فرهنگ‌سازی وارد شوند و با بررسی دقیق وضعیت کنونی ایران و نسل جوان ایرانی فرهنگ اسلامی‌ای را احیاء کنند که پاسخگوی نیاز ما باشد. وقتی کارشناسان خبره در رأس کار قرار گیرند و حقیقتاً دغدغه‌ی فرهنگ اسلامی داشته باشند، سخن رهبران مان به دقت شنیده می‌شود و به‌طور واقعی به مسئله‌ای پرداخته می‌شود که رهبر انقلاب آن را شبیخون فرهنگی نامیده‌اند. برای انجام کار فرهنگی در جامعه باید دیدگاه‌ها اصلاح شود و کار به‌گونه‌ای حرفه‌ای پیگیری شود. مشکلاتی در این باره:

۱. گاه، مدیران و کارمندانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند تحصیلات و تجربه‌ی کافی ندارند.
۲. گاه مدیران اختیار کافی ندارند و نمی‌توانند پس از شناخت مشکل تصمیم کلان بگیرند؛ لذا در برخی مواقع تصمیم‌های سراسری گرفته می‌شود تا فرد مسئول از خود رفع تکلیف کند.
۳. بودجه‌ی فرهنگی پاسخگوی هزینه‌های ضروری این حوزه نیست و بسیاری از برنامه‌ها اجرا نمی‌شود. به‌نظر می‌رسد که راه حل اساسی برگشت به آموزه‌های پیامبر و امامان معصوم (علیهم‌الصلاة والسلام) است که همواره راهگشای مشکلات ما هستند. برای مثال، آموزه‌های دینی و رهنمودهای برزرگان دین و همچنین نظر حکما و اندیشمندان و پزشکان و دانشمندان علم مدیریت بر رعایت اعتدال در امور است. لذا می‌فرمایند که باید شبانه‌روز به سه بخش تقسیم شود و بخشی از آن حتماً به استراحت و تفریح اختصاص داده شود تا در وقت کار و عبادت با انرژی کامل انجام وظیفه کنیم. برخی از مدیران و کارمندان ما به دلایل مختلف فرصت استراحت کمی دارند که این مسئله باعث می‌شود بازدهی کاری ایشان کم شود.

نکته‌ی دیگر آنکه مسائل انتخابات دوره‌ی دهم ریاست جمهوری نشان داد که بعضی از سران و نخبگان و

خواص نه‌تنها به بازپروری فرهنگی نیاز دارند که باید فرهنگ آنان، به‌صورت زیربنائی، باسازی شود. کسانی که ادعای تفسیر قرآن دارند و خود را در تحلیل تاریخ اسلام صاحب‌نظر می‌دانند و خود را از شاگردان صدیق و فدائی امام خمینی (رحمه‌الله) برمی‌شمارند، به سبب حب ریاست چه فتنه‌ای به پا کردند و رهبری را آزار دادند. ضایعه‌ای که این معدود خودنخبه‌خواندگان و خواص برای امت اسلامی به بار آوردند، کمتر از ضایعه‌ی طلحه و زبیر نبود. این

وقایع نشان داد که گاه عامه‌ی مردم از نظر فرهنگی، از این گونه خواص و نخبگان ظاهرالصلاح برتر و با فرهنگ‌ترند. به‌هرروی حوادث اخیر نشان داد که بازسازی زیرساخت‌های فرهنگی خواص و نخبگان و مسئولان و سپس بازپروری فرهنگی مردم یکی از نیازهای اساسی جامعه‌ی ماست.

بخش چهارم

در زمان حاضر، مساجد تا چه حد در بازپروری فرهنگی تأثیر دارند؟

یکی از بحث‌های مهم در خصوص نقش مسجد در فرهنگ‌سازی مقایسه‌ی کارکردهای مساجد فعلی با مساجد صدر اسلام و به‌طور کلی تاریخ اسلام است. مساجد در گذشته چه کارکردهائی داشته‌اند و اکنون چه کارکردهائی دارند؟ آیا کارکردهای مساجد تغییر کرده و کاهش هم یافته است؟ آیا می‌شود بعضی از کارکردهای قبلی مساجد را به مساجد برگردانید؟ آیا می‌شود کارکردهای جدیدی را برای مساجد تعریف و اجرایی کرد؟ از طرف دیگر، پرسش این است که امروزه چقدر می‌توان از مردم مسجیدی هستند و چگونه می‌توان این میزان را به حد قابل قبولی افزایش داد؟

آقای حسن عابدی در مقاله‌ای در شماره‌ی چهارم فروغ مسجد از استاد مطهری چنین نقل می‌کند:

نگاهی به وضع مساجد نشان می‌دهد که بعد از انقلاب، اغلب مساجد خلوت شده است. علت اولیه‌ی این امر این است که تا قبل از انقلاب، مساجد به‌بهترین نحو، نقش انقلابی خود را انجام می‌دادند و در آن‌ها همان مسائلی مطرح می‌شد که مردم خواستار بودند، اما بعد از پیروزی، مساجد خود را با این تغییر هماهنگ نکردند. اکنون ضرورت احیای مساجد بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. البته، لازم است در کنار مساجد، رادیو و تلویزیون هم برنامه‌های مذهبی داشته باشند. احزاب اسلامی و کانون‌های تعلیمات سیاسی و مذهبی هم باید تشکیل شود. مردم از طریق این کانون‌ها می‌باید تعلیمات و آموزش‌های سیاسی ببینند، اما اگر همه‌ی این نهادها جای مسجد را بگیرند، آن وقت فاجعه پدید می‌آید. راه جلوگیری از این فاجعه تعطیلی این نهادها نیست. بلکه مساجد هستند که باید در وضع خود تجدید نظر کنند.

بنابراین، موضوع کم‌شدن استقبال عموم، از مساجد، بحث امروز نیست، بلکه از همان اوائل انقلاب، این خطر قابل مشاهده بوده است و استاد مطهری اعلام خطر کرده‌اند.

آقای محسن الویری در همان شماره از فروغ کارکردهای زیر را برای مساجد بر می‌شمارد:

- ۱- کارکرد عبادی؛
- ۲- کارکرد آموزشی؛
- ۳- کارکردهای تربیتی؛
- ۴- کارکرد فرهنگی و ارتباطی؛
- ۵- کارکرد اجتماعی؛
- ۶- کارکرد سیاسی؛

۷- معماری و کالبدی شهری؛

۸- کارکرد حقوقی، نظامی و اقتصادی؛

۹- ارائه الگویی از جامعه‌ی مطلوب دینی؛

۱۰- تمرین شهروندی جامعه‌ی اسلامی.

ایشان درباره‌ی هر یک از این ده کارکرد توضیحات و تحلیل‌های مفیدی ارائه می‌دهد و در پایان اضافه می‌کند:

شاید رویکردی که در فهم و تبیین کارکردهای مسجد بیان شده است، تبیین‌کننده‌ی راز این همه تأکید بر مسجد و فضایل آن در آیات و روایات و دیدگاه اندیشه‌ورزانی مانند امام خمینی (رحمه‌الله) باشد. براساس چنین درکی از جایگاه مسجد در روند توسعه‌ی فرهیختگی و کمال هر جامعه‌ی دینی، سزاوار است که اهل مسجد اعم از امامان جماعت و نمازگزاران و دیگر دست‌اندرکاران و نیز مدیران و برنامه‌ریزان جامعه‌ی اسلامی بار دیگر به سنجش دیدگاه و عامل خود درباره‌ی مسجد بپردازند و انشاءالله مساجد کشور ما به سمتی حرکت کنند که نمونه‌ای محسوس و دست‌یافتنی از جامعه‌ی آرمانی اسلامی در مقیاسی خردباشد.

در همان شماره از فروغ مسجد، خانم عفت منصوریان مقاله‌ی خود را به جذب مردم، به‌ویژه جوانان و نوجوانان، به مسجد اختصاص داده است و در تحلیل مفصلی، بزرگترین علت کاهش حضور مردم در مساجد را به کارکردهای مسجد مربوط می‌داند و در پایان مقاله می‌نویسد:

برای اینکه مسجد در قالب نهادی مهم و اجتماعی همیشه پایدار باشد باید از ابعاد گوناگونی مانند امکانات کتابخانه‌ای و سالن مطالعه، سطح سواد و اطلاعات علمی امام جماعت و وضع بهداشت مسجد و امکاناتی مانند اینترنت و رایانه مجهز باشند تا بتوانند پاسخگوی نسل جوان که حدود ۷۰ درصد جمعیت و زیر ۳۰ سال هستند باشد و در نتیجه موجب حفظ دوام و بقای این نهاد گردد و نگرش مردم، به‌ویژه جوانان و نوجوانان، به مسجد را از ابعاد گوناگون افزایش دهد.

در کتاب جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی که زیر نظر حجت‌الاسلام والمسلمین علی رضائی تهیه و تنظیم شده است، عوامل اصلی جذب جوانان به مسجد به شرح زیر برشمرده شده است:

الف - امام جماعت: (۱) ثابت بودن؛ (۲) توانایی علمی؛ (۳) نظم؛ (۴) بیان ساده و شیوا؛ (۵) ابتکار و خلاقیت؛ (۶) دوستی با جوانان و نوجوانان؛ (۷) احترام و تواضع؛ (۸) آراستگی؛ (۹) توانایی جسمی؛ (۱۰) دارا بودن دانش لازم؛ (۱۱) درک موقعیت سنی جوانان؛ (۱۲) تهیه‌ی امکانات مالی.

ب - مسجد: (۱) فضای مسجد و ظواهر خوب آن؛ (۲) نظافت؛ (۳) وسائل صوتی و دستگاه‌های گرم‌آزا و سرمازا؛ (۴) تصمیم‌گیری متمرکز؛ (۵) ایجاد امکانات فرهنگی ورزشی؛ (۶) استفاده از افراد خوش صدا.

ج- هیئت امنای مسجد: ۱) همکاری جدی؛ ۲) تقسیم کار؛ ۳) علاقه به کار؛ ۴) تأمین بودجه؛ ۵) توجیه جوانان و نوجوانان؛ ۶) اهتمام به مسئله‌ی جوانان و نوجوانان؛ ۷) استفاده از تخصص‌های گوناگون.

د- سایر عوامل: ۱) ترجمه و توضیح دعاها و ذکرها؛ ۲) آشنا کردن جوانان به فلسفه‌ی اعمال عبادی؛ ۳) اخلاق و رفتار نمازگزاران؛ ۴) جذب از طریق دوستان؛ ۶) انعکاس فعالیت‌ها؛ ۷) رفع مشکلات؛ ۸) خادم.

راهکارهای جذب جوانان به مسجد:

۱) معرفی الگو؛ ۲) رعایت اختصار؛ ۳) معرفی آثار مادی؛ ۴) تبیین لذات معنوی؛ ۵) تشویق؛ ۶) نمایش؛ ۸) اردو؛ ۹) مسابقات؛ ۱۰) نوار؛ ۱۱) نمایشگاه؛ ۱۲) رعایت ادب؛ و ۱۳) کتب درسی.

نگارنده، از چند سال قبل، درباره‌ی کارکرد مساجد و مسئله‌ی حضور مردم، مخصوصاً نسل جوان، در مسجد، تحقیقات زیادی کرده‌ام که نتایج آن به‌طور خلاصه چنین است: نخست، جمعیت مساجد متناسب با جمعیت محلات نیست و در مقایسه با جمعیت واقعی، میزان مشارکت کم ارزیابی می‌شود. دوم، بیشتر افراد حاضر در مساجد، افراد مسن و سالخورده هستند. سوم، هرچند در مقایسه با سال‌های گذشته، حضور افراد تحصیل کرده‌ی دانشگاهی در مساجد زیادتر شده است، اما این میزان همچنان کم است و باید افزایش یابد. چهارم، امکانات مساجد برای انجام امور فرهنگی بسیار کم است.

بخش پنجم

چگونه می‌توان مساجد را به جایگاه اصلی رساند؟

مساجد ما بیش از ۱۴۰۰ سال تجربه‌ی فرهنگ‌سازی، بازآموزی و بازپروری فرهنگی داشته‌اند و همواره در در چالش‌های پیش روی جامعه‌ی اسلامی موفق بوده‌اند. تاریخ نشان می‌دهد که مساجد همواره جامعه‌ی اسلامی را نجات داده‌اند؛ برای مثال در نهضت تنباکو (که بعد از فتوای معروف حضرت آیت‌الله میرزای شیرازی (رحمه‌الله)، مساجد بلندگو و دارالتبلیغ آن شدند) و انقلاب اسلامی ایران (که پایگاه‌های اصلی آن مساجد بودند). اما این موضوع نیز باید مدّ نظر باشد که در این تاریخ (به‌جز چهل سال اول)، حاکمان سرزمین‌های اسلامی عمدتاً از حاکمان جور بوده‌اند و تا جایی حرمت احکام اسلام را نگاه می‌داشتند که حریم قدرت و منافع شخصی آن‌ها به خطر نیفتد. بنابراین، عامه‌ی مردم مسجد را پایگاه ظلم‌ستیزی و پناهگاه عدالت‌خواهی به حساب می‌آوردند. از این رو، اگر روحانی یا فرد مبارزی در مسجد، صدای حق‌طلبانه‌ای سر می‌داد مردم دست کم در باطن امر، طرفدار او بودند، زیرا حاکم را عادل و اسلامی نمی‌دانستند.

اما امروز متفاوت است. حکومت ما حکومتی و برخاسته از رأی مردم است و در رأس آن ولایت فقیه قرار دارد. از این رو، اگر در مساجد موردی پیش آید که مغایر با مصلحت نظام باشد و مورد تأیید امنای نظام و ولایت نباشد، عامه‌ی مردم او را نفی می‌کنند و حرکت او را مشروع نمی‌دانند. تاریخ انقلاب و مخالفت غرب و پهلوی غرب‌زده با روحانیت و مسجد و درسوی دیگر حمایت مردم از مسجد و روحانیت نشان می‌دهد که نظام اسلامی ما از مساجد

برخاست و به‌همین دلیل تقویت مساجد نیز آسیب‌پذیری نظام را کاهش می‌دهد. برای تحقق این امر و استحکام بیشتر پایگاه‌ها و خاستگاه‌های نظام، مسئولان باید، ضمن حفظ استقلال و مردمی بودن مساجد، در اندیشه‌ی تقویت و بازسازی معنوی مساجد باشند و این مهم در گرو انجام این کارهاست:

الف) برنامه‌ریزی

۱- **انتقادپذیری:** مسئولان امور فرهنگی و مذهبی و امور مساجد باید پذیرای انتقادات باشند و بی‌جهت جبهه‌ی دفاعی نگیرند. آن‌ها باید انتقادات را بشنوند و جهت بررسی به کارشناسان موجه و خبره و باتجربه ارجاع دهند. سپس، اگر نظری مفید تشخیص داده شد و مصلحت بود، برای اجرائی کردن آن برنامه‌ریزی شود.

۲- **اعتراف:** اگر هر یک از مسئولان مذکور دانش، تخصص، تجربه، توان جسمی و فرصت کافی برای انجام کارهای فرهنگی ندارند، باید مخلصانه به عدم توانایی خود اعتراف کنند و کنار بروند تا افراد موجه‌تری جایگزین گردند.

۳- **انتخاب شایسته‌ترین‌ها:** مسئولانی که موظف به انتخاب کارشناسان و خبرگان این امور هستند باید در انتخاب خود دقت و وسواس لازم را به خرج دهند و افرادی را برگزینند که کارشناس و دلسوز مسائل فرهنگی باشند.

۴- **تعیین اهداف:** باید سیاست‌ها و هدف‌گذاری‌های بلندمدت (مثلاً ۲۰ ساله)، میان‌مدت (مثلاً ۵ ساله) و کوتاه‌مدت (مثلاً سالانه) تعیین و تبیین گردد.

۵- **تعیین منشور فرهنگی:** منشوری فرهنگی برای همه‌ی گروه‌های اجتماعی (رئیسان سه قوه، مدیران نهادهای مستقل، فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی، قاضیان، وزیران، مدیران شرکت‌های دولتی و خصوصی، تاجران، کارمندان و کارگران و ...) تبیین گردد. هر فرد فقط زمانی حق ورود به گروه‌های فرهنگی را دارد که اولاً این منشور را آموزش دیده باشد و ثانیاً قبل از ورود به آن کار در آزمون منشور فرهنگی مربوطه، امتیاز مورد قبول را آورده باشد و ثالثاً با امضاء منشور خود را ملتزم به رعایت مفاد آن بداند.

۶- **تعیین حدود وظایف هر حوزه‌ی اجرائی:** باید مشخص شود که چه نهادهایی (اعم از دولتی، عمومی، خصوصی) موظف به انجام کارهای فرهنگی هستند و اجرای چه قسمت‌هایی از برنامه‌ی فرهنگی مورد نظر را به عهده خواهند داشت و در چه مقطعی به چه نتایجی باید برسند.

ب) رفع موانع و چالش‌ها

۱- **اولین چالش:** دشمن زخم‌خورده‌ی انقلاب سه چیز را عامل‌های اصلی قوام و پایداری نظام جمهوری اسلامی می‌داند: مسجد، روحانیت انقلابی و نهاد مردمی و مقدس بسیج. این سه در کنار هم، همچون بنیانی مرصوص هستند که پشت سر ولایت امر، کشور نظام اسلامی را از هر خطری محفوظ نگاه می‌دارند. دشمن سال‌هاست که درکمین نشسته است تا با هر تزویر و حیل‌های این سه را متزلزل کند. گاه، متأسفانه اختلاف میان کارگزاران مسجد موجب ضربه‌زدن به این سه رکن اساسی می‌شود. این اختلاف در واقع توطئه‌ی دشمن است و مسئولان باید به گوش و به‌هوش باشند. یکی از راه‌های حل این‌گونه اختلافات این است که به امام جماعت مسجد

اختیار تام بدهیم اما به او بیاموزیم که باید با تعامل کار را پیش ببرد. در مساجد، همواره یک نفر باید حرف آخر را بزند و آن فرد امام جماعت است؛ همان طوری که بعضی از مسئولان تا زمانی که در سمت خود هستند مصونیت دارند، ائمه‌ی جماعت هم باید تا زمانی که امام جماعت هستند، مصونیت داشته باشند؛ هرچند که مرکز می‌تواند در موقع لزوم آن‌ها را برکنار کند.

۲- دومین چالش برخورد چندگانه با مساجد است. از سویی مرکز رسیدگی به امور مساجد مسئول عزل‌ها و نصب‌ها در مساجد است، اما از سوی دیگر اعتبار کافی برای تأمین امامان جماعت و خدام ندارد و تأمین مالی را به عهده‌ی خود مردم و گاه امنایی می‌گذارند که بناست تابع سخن امام جماعت باشند.

۳- سومین چالش این است که اکثر مساجد صرفاً کارکردی عبادی دارند و در زمینه‌های علمی و اجتماعی فعالیت نمی‌کنند. اینکه مسئولان و مردم مساجد را به عنوان مکانی مقدس و صرفاً برای عبادات و مراسم مذهبی مدنظر داشته باشند، آینده‌ی مساجد را در خطر خواهد انداخت و شاید آن‌ها را به مکانی مانند کلیسا تبدیل کند که تأثیر در جامعه ندارد و این همان چیزی است که مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران و اسلام (مخصوصاً مخالفان مذهب شیعه) خواهان آن هستند. مسجد به عنوان یکی از ارکان قوام نظام جمهوری اسلامی ایران است و باید برای قوام و استحکام آن برنامه‌ریزی و تلاش کرد. در این باره کارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- کتابخانه: احداث کتابخانه در خارج از حوزه‌ی مساجد یکی از مواردی است که خواسته یا ناخواسته

موجب کاهش کارکرد مساجد و تضعیف نقش آن‌ها می‌شود. برای شروع، ابتدا می‌توانیم اداره‌ی کتابخانه‌های موجود در هر محل را به نزدیک‌ترین مسجد آن محل واگذار کنیم و در آینده، با برنامه‌ریزی صحیح در کنار هر مسجد کتابخانه‌ای مجهز تأسیس کنیم.

۲- در مساجد مکان‌های مناسبی برای کارگاه‌های سمعی و بصری (از نوع مجاز و مباح آن) در نظر گرفته شود و برنامه‌ای مدون برای استفاده‌ی عموم، مخصوصاً جوانان و نوجوانان، تنظیم گردد.

۳- انتقال شعبه‌ای از کمیته‌ی امداد امام خمینی (رحمه‌الله) به داخل یا کنار مساجد و سپردن مدیریت آن به دست اندرکاران مساجد.

۴- تأسیس نهادهای خیریه و قرض‌الحسنه در مساجد.

۵- تأسیس کارگاه‌های آموزشی، نظیر: قرآن، احکام، خطاطی، نقاشی، رایانه، آموزش زبان‌های مختلف و صدور گواهینامه‌ی معتبر برای شرکت‌کنندگان.

۴- چهارمین چالش در برخی از روش‌های ارائه‌ی ارزش‌های مذهبی است که در این باره مشکلات زیر به چشم می‌خورد:

۱. گاه شیوه‌ی سخنرانی و اعظان مساجد جذاب نیست و برخی از سخنرانان نمی‌توانند جوانان و نوجوانان را به مسجد جذب کنند.

۲. بعضی از خطیبان دانش کافی در مورد علوم غیرفقهی یا مسائل روز جامعه ندارند و با وجود ناآگاهی وارد بحث‌هایی تخصصی می‌شوند و مخاطب را به اشتباه وا می‌دارند یا او را از مسجد دور می‌کنند.

۳. در سال‌های اخیر، برخی از افراد کم‌دانش وارد حوزه مداحی شده‌اند و بدون آگاهی از احکام و آموزه‌های اسلام و شیعه در این باره صحبت می‌کنند و موجب تحریف اسلام می‌شوند. افزون بر آنکه برخی از سبک‌های مداحی مناسب شأن مسجد و اهل بیت (علیهم‌السلام) نیست و موجب هتک حرمت ایشان می‌شود. گاه غلو در مرثیه‌خوانی به حد کفر هم می‌رسد که باید مانعی بر سر راه ایشان ایجاد شود.

۶- پنجمین چالش در خصوص عدم دخالت و بی‌توجهی برخی از ائمه‌ی جماعات مساجد نسبت به امور محله و حوزه‌ی مسجد است. برخی گمان می‌برند امامت صرفاً در اقامه‌ی نماز و بیان احکام و برگزاری مراسم‌های مذهبی است، اما امام جماعت واقعی باید کل محله و محیطی را اداره کند که مسجد در آن قرار دارد. برای رسیدن به چنین هدفی این امور پیشنهاد می‌شود:

۱. امام جماعت باید در تمام روز در مسجد فعال باشد و مسجد را فعال نگاه دارد؛
۲. در جریان کلیه‌ی امور محله و حوزه‌ی مسجد خود باشد و برای رفع معضلات و گرفتاری‌های مردم تلاش کند؛
۳. در صورت امکان، کار دیگری غیر از امامت جماعت مسجد نداشته باشد.

۷- ششمین چالش در مورد هیئت امنای مساجد است که گاه با وجود دلسوزی، تعهد و از خودگذشتگی ایشان در زمینه‌ی انجام خدمت در مساجد، نمی‌تواند برنامه‌های مناسبی طراحی و اجرا کنند و علت این مشکل ناآگاهی آن از امور و اصول فرهنگی است. از این رو، باید حتی‌المقدور از افرادی متخصص در این زمینه استفاده کرد.

۸- هشتمین چالش به عملکرد رسانه‌ها و به‌ویژه به صداوسیما برمی‌گردد. متأسفانه، رسانه‌ی ملی در زمینه‌ی فرهنگ‌سازی محصول چندان مطلوبی نداشته است و به‌ویژه گاه در نمایش مساجد فعال و روحانیان پیشرو نامناسب عمل کرده است. در فیلم‌ها و سریال‌ها و حتی مستندهای سیما مسجد و مسجدیان واقعی و اصیل به تصویر کشیده نمی‌شود و علاوه بر آن برخی از برنامه‌های سیما همسوی با فرهنگ اسلامی نیست.

پ- حفظ استقلال مساجد

کسانی که نگران دولتی شدن مساجد هستند قطعاً نظرشان، حفظ استقلال این ستون نظام اسلامی است تا همواره به‌عنوان پشتوانه‌ی قوی ولایت و روحانیت باقی بماند. این هدف ایجاب می‌کند که مسئولان وفادار به نظام اسلامی زمینه‌های استقلال مسجد را تقویت کنند. برای این کار باید:

۱. تخصیص اعتبار لازم و کافی برای احداث ساختمان و تأسیسات و تجهیزاتی که بتواند پاسخگوی نیازهای ذکر شده در بندهای (الف) و (ب)، یعنی برنامه‌ریزی و رفع موانع و چالش‌ها، باشد.
۲. برای هریک از مساجد سرمایه‌گذاری‌های مناسبی، از طریق ایجاد کارگاه، کارخانه، مغازه، خرید سهام یا ...، انجام شود تا مسجد بتواند درآمد مناسبی برای تأمین هزینه‌های جاری داشته باشد.

۳. هیئت امنای مساجد از بین معتمدان مورد تأیید مرکز رسیدگی به امور مساجد ولی با رأی نمازگزاران انتخاب شوند. بدین ترتیب که کاندیداها به مرکز رسیدگی به امور مساجد معرفی و در صورت تأیید صلاحیت، درباره‌ی آنان رأی گیری شود.

۴. همه‌ی نهادهایی که تحت هر عنوان در مجموعه‌ی مسجد مستقر می‌شوند (نظیر بسیج، صندوق قرض‌الحسنه، کتابخانه، نهادهای آموزشی و...) باید تحت مدیریت امام جماعت مسجد باشد.

۵. ساختمان، تأسیسات، تجهیزات و امکاناتی که از طریق بندهای فوق احداث یا ایجاد می‌شود، به‌عنوان موقوفات همان مسجد محسوب شود و تحت مدیریت امام جماعت باشد.

نتیجه

مساجد باید برای انجام کارهای فرهنگی و زیربنائی آماده شود و کارهای فرهنگی نیز دقیقاً باید مطابق با منشوری فرهنگی مشخص شود. برنامه‌ریزی و رفع موانع توسط کارشناسان دو عنصر اساسی در پویایی مساجد است که باید مورد توجه قرار گیرد. نباید به امور فرهنگی بی‌توجهی و با مسامحه نگاه شود. بازپروری فرهنگی باید طبق برنامه‌ای دقیق و هدفمند اجرا شود تا از تهاجم فرهنگ غربی مصون بمانیم. اگر فرهنگ غنی اسلام را زنده و به‌طور کامل در جامعه اجرا کنیم، بسیاری از مشکلات اجتماعی ما حل می‌شود. احتکار و نامهربانی و بی‌اخلاقی محصول بی‌توجهی به فرهنگ اسلام و هجمه‌ی فرهنگ غرب است که باید مهار شود.

منابع:

- ۱- جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی: تهیّه و تنظیم، زیر نظر حجت الاسلام والمسلمین علی رضائی
- ۲- مسجد در روایات و اخبار: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد
- ۳- فروغ مساجد (۴): مجموعه‌ی مقالات برگزیده‌ی سومین همایش بین‌المللی هفته‌ی جهانی گرامی داشت مساجد
- ۴- فروغ مسجد (۵): مجموعه‌ی سخنرانی‌ها و مقالات برگزیده‌ی چهارمین همایش بین‌المللی هفته‌ی جهانی گرامی داشت مساجد
- ۵- بعضی از برنامه‌های سیمای جمهوری اسلامی ایران

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد